

کنوانسیون سازمان ملل متحد  
راجع به قراردادهای بیع بین  
المللی کالا  
(مورخ 1980)

کشورهای طرف این کنوانسیون،

- با توجه به اهداف گسترده مندرج در قطعنامه‌های مصوب ششمین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص ایجاد نظم نوین اقتصادی بین‌المللی،
- با در نظر گرفتن اینکه توسعه تجارت بین‌الملل براساس برابری و نفع متقابل، عنصر مهمی در ارتقای مناسبات دوستانه بین کشورها است،
- و با اعتقاد به اینکه اتخاذ مقررات متحدالشکلی که ناظر بر قراردادهای بیع بین‌المللی کالا بوده و نظامهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی را

مد نظر داشته باشد، به رفع موانع  
حقوقی در تجارت بین‌الملل و توسعه  
تجارت بین‌الملل کمک خواهد نمود،

به شرح زیر توافق نموده‌اند:

## فصل اول قلمرو اجرا و مقررات كلي

### مبحث اول قلمرو اجرا

#### مادة 1

1- این کنوانسیون ناظر بر قراردادهاي بيع کالا بين طرفهائي است که محل تجارت\* آنها در کشورهاي متفاوت با یکدیگر واقع شده باشد، مشروط بر اینکه: الف - کشورهاي مزبور در زمرة کشورهاي متعهد باشند، یا ب - [رعایت] قواعد حقوق بين الملل خصوصي، منتهي به اعمال قانون يکي از کشورهاي متعهد گردد.

2- این واقعیت که محل تجارت طرفین در کشورهاي متفاوت با یکدیگر واقع شده است مورد توجه قرار نخواهد گرفت، مگر اینکه واقعیت مزبور از قرارداد و یا از معاملات بين طرفین یا اطلاعات ارائه شده

---

\*. عبارت «محل تجارت» در مقابل Place of business گذاشته شده است، ولي گویا منظور اصلي کنوانسیون از آن «مرکز تجارت» باشد که در لسان حقوق تجارت مفهوم و آثار خاصی دارد.

توسط آنها در زمان انعقاد قرارداد یا در هر زمانی پیش از آن، استنباط گردد. 3- تابعیت طرفین قرارداد و نیز خصوصیت مدنی یا تجاری طرفین یا خود قرارداد، در تعیین قلمرو این کنوانسیون ملحوظ نخواهد بود.

## مادة 2

کنوانسیون حاضر بر بیع های زیر جاری نخواهد بود.

الف - بیع کالاهایی که جهت مصارف شخصی، خانوادگی یا استفاده در منازل خرید می شوند، مگر اینکه فروشنده قبل از انعقاد قرارداد یا در زمان انعقاد آن، از اینکه کالاهای مزبور برای مصارف فوق خریداری شده اند، اطلاعی نداشته یا مکلف نبوده اطلاعی در این مورد داشته باشد؛

ب - بیع از طریق حراج؛

ج - بیع ناشی از اجرای قانون یا بیعی که به نحو دیگر به حکم قانون واقع گردد؛

د - بیع سهام، سهم شرکت، اوراق بهادار، اسناد قابل انتقال یا پول؛

هـ - بیع کشتیها، سفاین، هاورکرافت  
(هواناو) و وسایل نقلیه هوایی؛  
و- بیع نیروی برق.

### مادة 3

1- قراردادهاي ناظر به تهیه کالایی  
که باید ساخته یا تولید شود، بیع محسوب  
می شوند، مگر اینکه سفارش دهنده تهیه  
قسمت عمده مواد لازم جهت ساخت یا تولید  
آن کالا را تعهد نموده باشد.  
2- قراردادهایی که در آنها قسمت  
اعظم تعهدات طرفی که کالا را تهیه می کند  
ناظر به ارائه نیروی کار یا خدمات دیگر  
باشد، مشمول مقررات این کنوانسیون  
نخواهند بود.

### مادة 4

مقررات این کنوانسیون صرفاً ناظر بر  
انعقاد قرارداد بیع و حقوق و تعهداتی  
که برای طرفین در اثر چنین قراردادی  
ایجاد می شود، بوده و ارتباطی خاصه با  
امور ذیل نخواهد داشت، مگر خلاف آن  
تصریح شده باشد:

الف - اعتبار قرارداد یا هر يك از شرایط آن یا اعتبار هرگونه عرف مربوط؛  
ب - اثري كه ممكن است قرارداد نسبت به مالکیت کالا داشته باشد.

#### مادة 5

مقررات این کنوانسیون شامل مسئولیت بايع در قبال مرگ یا صدمات بدني‌اي كه به سبب کالا براي افراد اتفـاق مي‌افتد، نخواهد بود.

#### مادة 6

طرفین می‌توانند شمول مقررات این کنوانسیون را استثناء یا با رعایت ماده 12 از آثار هر يك از مقررات آن عدول کنند یا آنها را تغییر دهند.

### مبحث دوم مقررات كلي

#### مادة 7

1- در تفسیر مقررات این کنوانسیون باید به خصیصه بین‌المللی آن و نیز به ضرورت ایجاد هماهنگی در اجرای آن و

رعایت حسن‌نیت در تجارت بین‌الملل توجه شود.

2- مسایل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آنها صراحتاً در این کنوانسیون تعیین نشده، طبق اصول کلی‌ای که کنوانسیون مبتنی بر آن است، و در صورت فقدان اینگونه اصول، طبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی حاکم است، حل و فصل خواهند شد.

#### مادة 8

1- از نظر این کنوانسیون، هرگاه یکی از طرفین نسبت به مؤدای قصد طرف دیگر علم داشته باشد یا جهل او مسموع نباشد، الفاظ و سایر اعمال طرف دیگر باید مطابق قصد وی تفسیر شود.

2- در صورت عدم شمول بند پیشین، الفاظ و سایر اعمال هر یک از طرفین محمول بر استناد افراد متعارف همان صنف در اوضاع و احوال مشابه است.

3- در مقام تشخیص قصد هر یک از طرفین یا تعیین استنباطی که یک فرد متعارف از آن خواهد داشت، باید به اوضاع و احوال ذی‌ربط از جمله به

مذاکرات، رویه مقرر بین طرفین، عرف و عادت و سایر اعمال بعدی آنان توجه کافی مبذول داشت.

#### مادة 9

1- طرفین ملتزم به هرگونه عرف و عادت مورد توافق و رویه معمولاً به فی ما بین می‌باشند.

2- فرض بر این است که طرفین عرف و عادت را که نسبت به آن وقوف داشته‌اند یا می‌باید وقوف می‌داشتند و آن عرف و عادت در تجارت بین‌الملل کاملاً شناخته شده و طرفین قرارداد های مشابه در آن نوع تجارت خاص، به طور منظم آن را رعایت می‌کنند، به نحو ضمنی بر قرارداد فی‌مابین یا انعقاد آن حاکم ساخته‌اند، مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود.

#### مادة 10

از نظر این کنوانسیون:

الف- هرگاه یکی از طرفین بیش از یک محل تجارت داشته باشد، محل تجارت وی جایی خواهد بود که با در نظر گرفتن اوضاع و احوالی که قبل از انعقاد



قرارداد یا در زمان انعقاد آن بر طرفین معلوم بوده یا منظور نظر آنها قرار گرفته است نزدیکترین رابطه را با قرارداد و اجرای آن دارد؛  
ب - هرگاه یکی از طرفین فاقد محل تجارت باشد، محل اقامت معمولی او ملاک خواهد بود.

#### مادة 11

لازم نیست قرارداد بیع بطور کتبی منعقد یا مستند شود و از نظر شکلی محتاج به رعایت هیچ شرط دیگری نیز نمیباشد. وجود قرارداد، بوسیله شهود، قابل اثبات است.

#### مادة 12

هرگاه محل تجارت یکی از طرفین در یکی از کشورهای متعاهدی که به موجب ماده 96 این کنوانسیون مبادرت به صدور اعلامیه نموده است، واقع باشد، هیچ یک از مقررات مواد 11 و 29 یا فصل دوم این کنوانسیون که قرارداد بیع یا اصلاح یا اقاله آن یا ایجاب و قبول یا سایر انواع بیان اراده را به نحو غیرکتبی

اجازه می‌دهد، شامل آن طرف نخواهد بود. طرفین نمی‌توانند از حکم این ماده عدول کنند و یا آثار آن را تغییر دهند.

### مادة 13

وصف «کتبی» از نظر مقررات این کنوانسیون، تلگرام و تلکس را شامل می‌شود.

## فصل دوم

### انعقاد قرارداد

### مادة 14

1- پیشنهاد انعقاد قرارداد به يك یا چند فرد معین، چنانچه به اندازه کافی مشخص و دال بر قصد التزام ایجاب کننده در صورت قبول طرف مقابل باشد، ایجاب محسوب است. پیشنهاد در صورتی به اندازه کافی مشخص است که کالا را مشخص نموده و به نحو صریح یا ضمنی، مقدار کالا و ثمن را معین یا ضوابطی جهت تعیین آن دو مقرر نماید.

2- پیشنهاد، جز در موردی که خطاب به يك یا چند فرد معین است، صرفاً دعوت برای ایجاب محسوب می‌گردد، مگر در

صورتیکه پیشنهاد کننده خلاف آن را بوضوح اعلام نماید.

#### مادة 15

- 1- ایجاب از زمان وصول توسط مخاطب ایجاب، نافذ می‌گردد.
- 2- ایجاب حتی در صورتیکه به نحو غیرقابل رجوع باشد، قابل انصراف است، مشروط بر اینکه اعلام انصراف، پیش از وصول ایجاب یا همزمان با آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد.

## مادة 16

1- مادام که قرارداد منعقد نشده است، ایجاب قابل رجوع می‌باشد، به شرطی که رجوع پیش از آنکه مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد، به وی واصل گردد.

2- مع هذا در موارد ذیل نمی‌توان از ایجاب رجوع کرد:

الف- در صورتیکه ایجاب، به واسطه قید زمان معین جهت قبول آن یا به علت دیگر، حکایت از این داشته باشد که غیرقابل رجوع است؛ یا

ب- هرگاه تکیه مخاطب بر ایجاب به عنوان یک ایجاب غیرقابل رجوع، امری معقول بوده و بر همان اساس عمل کرده باشد.

## مادة 17

ایجاب حتی اگر غیرقابل رجوع باشد، از هنگامی که رد آن از سوی مخاطب به ایجاب‌کننده واصل می‌گردد، منتفی می‌شود.

## مادة 18

1- الفاظ یا سایر اعمال مخاطب ایجاب که دال بر رضا به مفاد ایجاب

با شد، قبول محسوب است. سکوت یا عدم اقدام، فی‌نفسه دلالت بر قبول ندارد.

2- قبول ایجاب از لحظه‌ای که اعلام رضا به ایجاب‌کننده واصل می‌گردد، نافذ می‌شود. هرگاه اعلام رضا ظرف مدتی که ایجاب‌کننده تعیین نموده یا، در صورت عدم تعیین مدت، ظرف یک مدت متعارف به وی واصل نگردد، قبول نافذ نخواهد بود. در محاسبه مدت متعارف، به اوضاع و احوال معامله، منجمله به سرعت و سایل ارتباطی مورد استفاده ایجاب‌کننده، توجه لازم معطوف خواهد شد. ایجاب شفاهی باید فوری قبول شود، مگر اینکه اوضاع و احوال به نحو دیگری دلالت نماید.

مع هذا چنانچه به موجب ایجاب یا در نتیجه رویه معمولاً به طرفین یا حسب عرف و عادت، مخاطب، بدون اعلام به ایجاب‌کننده، بتواند با انجام عملی نظیر آنچه مربوط به ارسال کالا یا پرداخت ثمن است اعلام رضا نماید، قبول از لحظه‌ای که عمل انجام می‌شود نافذ است، مشروط بر اینکه عمل مزبور ظرف مدت مقرر در بند پیشین انجام شود.

## مادة 19

1- هرگونه پاسخ به ایجاب که ظاهراً قبول ایجاب بوده ولی متضمن اضافات، محدودیتها یا سایر اصلاحات [نسبت به ایجاب] باشد، به منزله رد ایجاب است و ایجاب متقابل محسوب می‌شود.

2- مع هذا هرگونه پاسخ به ایجاب که ظاهراً قبول ایجاب بوده ولی متضمن شروط اضافی یا متفاوتی [نسبت به ایجاب] باشد که شرایط ایجاب را به طور اساسی تغییر ندهد، قبول ایجاب محسوب می‌شود، مگر اینکه ایجاب‌کننده بدون تأخیر موجه، شفاهاً یا با ارسال یادداشتی، نسبت به مغایرت اعتراض کند. چنانچه وی بدین نحو اعتراض نکند، شروط قرارداد عبارتند از شروط ایجاب به علاوه اصلاحات مندرج در قبول.

ثمن، تأدیة، وصف و مقدار کالا، مکان و زمان تسلیم کالا، حدود مسئولیت هر یک از طرفین نسبت به دیگری یا حل اختلافات، شروطی هستند که شرایط ایجاب را بطور اساسی تغییر می‌دهند.

## مادة 20

1- مهلتي که ايجابکننده در تلگرام يا نامه براي قبول تعيين ميکند از لحظه اي که تلگرام جهت مخابره تحويل ميگردد يا از تاريخي که در نامه قيد شده است يا چنانچه در نامه تاريخي قيد نشده باشد از تاريخ منعکس در روي پاکت، آغاز ميگردد. مهلتي که ايجابکننده براي قبول بوسيلة تلفن، تلکس يا ساير طرق مخابراتي فوري تعيين مينمايد، از زماني آغاز ميگردد که ايجاب توسط مخاطب وصول ميشود.

2- تعطيلات رسمي يا روزهاي غيراداري در خلال مهلت قبول، جزو مهلت قبول محسوب است؛ مع هذا هرگاه آخرين روز موعده قبول در محل تجارت ايجابکننده مصادف با تعطيل رسمي يا روز غيراداري باشد و به آن دليل نتوان اعلام قبول را به نشاني وي تحويل داد، مهلت تا اولين روز اداري پس از آن تمديد خواهد شد.

## مادة 21

1- چنانچه ايجابکننده نافذ بودن قبول توأم با تأخير را بي درنگ به طور

شفاهی یا با ارسال یادداشتی به اطلاع مخاطب ایجاب برساند، این قبول نافذ خواهد بود.

2- هرگاه نامه یا نوشته دیگری که متضمن قبول توأم با تأخیر است حکایت از این داشته باشد که ارسال آن درچنان اوضاع و احوالی صورت گرفته که اگر جریان انتقال به صورت عادی انجام می گرفت، ظرف مدت مقرر به ایجابکننده می رسید، این قبول با تأخیر، یک قبول نافذ محسوب می شود، مگر اینکه ایجابکننده بی درنگ به طور شفاهی یا با ارسال یادداشتی به اطلاع مخاطب ایجاب برساند که وی ایجاب خود را خاتمه یافته تلقی می کند.

## مادة 22

قبول به شرطی قابل انصراف است که انصراف، پیش از نافذ شدن یا همزمان با نافذ شدن قبول [در غیاب انصراف]، به ایجابکننده واصل شود.

## مادة 23



قرارداد از لحظه اي که قبول ايجاب مطابق مقررات اين کنوانسيون نافذ مي‌شود، منعقد مي‌گردد.

#### مادة 24

از نظر اين فصل از کنوانسيون، ايجاب، اعلام قبول يا ساير انواع بيان اراده هنگامي به مخاطب واصل مي‌شود که شفاهاً به اطلاع وي رسانده شود، يا به طريق ديگر به شخص او، به محل تجارت يا به نشاني پستي‌اش، و چنانچه محل تجارت يا نشاني پستي نداشته باشد به محل اقامت عادي او تحويل گردد.

### فصل سوم

#### بيع کالا

#### مبحث اول

#### شرایط كلي

#### مادة 25

نقض قرارداد توسط يکي از طرفين هنگامي نقض اساسي محسوب مي‌شود که منجر به ورود چنان خسارتي به طرف ديگر گردد که او را از آنچه استحقاق انتظار آن را

به موجب قرارداد داشته است، اساساً محروم کند، مگر اینکه طرفی که مبادرت به نقض قرارداد نموده است چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوالی مشابه، نمی‌توانسته است آن امر را پیش‌بینی کند.

ا اعلام بطلان قرارداد صرفاً در صورتی نافذ است که طی یادداشتی به طرف دیگر به عمل آید.

در مواردی که هر نوع اخطار، تقاضا یا سایر انواع مراسلات توسط یکی از طرفین، مطابق این فصل و با وسایلی متناسب با اوضاع و احوال، صادر یا انجام می‌شود، تأخیر یا اشتباه در ارسال یا عدم وصول آن، او را از حق استناد به مراسلات مذکور محروم نمی‌سازد، مگر اینکه در این فصل از کنوانسیون طور دیگری تصریح شده باشد.

## مادة 28

چنانچه طبق مقررات این کنوانسیون یکی از طرفین حق داشته باشد اجرای تعهدی را از طرف دیگر بخواهد، دادگاه

مكلف به صدور حكم نسبت به اجراي عين  
تعهد\* نيست، مگر اينكه مطابق قانون  
متبوع خود نسبت به قرارداد هاي بيع  
مشابهي كه مشمول مقررات اين كنوانسيون  
نيستند، حكم به اجراي عين تعهد دهد.

---

\*. specific performance در بعضي موارد دادگاه به جاي صدور حكم  
به خسارت ناشي از تخلف يا نقض قرارداد، حكم به اجراي  
عين قرارداد توسط متعهد يا توسط ثالث به هزينه متعهد  
ميدهد كه آن را بيشتر در سيستم كامنلا، اجراي عين  
قرارداد يا اجراي قرارداد به طور مشخص نامند. براي  
نمونه نزديك به اين مفهوم در حقوق ايران مراجعه كنيد  
به ماده 222 و 238 ق.م. ايران. «مجله حقوقي».

## مادة 29

1- قرارداد می‌تواند به‌صرف تراضی طرفین، اصلاح یا اقاله شود.  
2- یک قرارداد کتبی را که متضمن شرط اصلاحی یا اقاله به‌نحو کتبی است، نمی‌توان به‌نحو دیگری اصلاح یا اقامه نمود. مع‌هذا امکان دارد هر یک از طرفین به علت رفتار خود از استناد به این شرط، تا حدودی که طرف دیگر به چنان رفتاری اعتماد نموده است، ممنوع شود.

### مبحث دوم

#### تعهدات بایع

## مادة 30

بايع مكلف است به ترتیبي كه در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است کالا را تسلیم کند، هرگونه مدرک مربوط به کالا را تحویل نماید و مالکیت کالا را انتقال دهد.

### بخش اول

#### تسلیم کالا و تحویل مدارک

## مادة 31

در صورتی که با لک مکلف به تسلیم کالا در محل معین دیگری نباشد، تعهد او به تسلیم، به شرح ذیل است:

الف - چنانچه قرارداد بیع متضمن حمل کالا باشد، تعهد به تسلیم عبارت است از تحویل کالا به اولین مؤسسه حمل و نقل جهت ارسال به مشتری؛

ب - در مواردی که مشمول قسمت «الف» فوق نباشند، چنانچه قرارداد راجع به کالای معین یا کالای کلی از انبار معین یا کالای کلی که باید ساخته یا تولی شود، بوده و طرفین نیز در زمان انعقاد قرارداد اطلاع داشته‌اند که کالا در محل معینی قرار دارد یا باید در محل معینی تولید یا ساخته شود، تعهد به تسلیم عبارت است از قراردادن کالا در اختیار مشتری در همان محل معین؛

ج - در سایر موارد، تعهد به تسلیم عبارت است از اینکه با یع کالا را در محلی که در زمان انعقاد قرارداد محل تجارت او بوده، در اختیار مشتری قرار دهد.

## مادة 32

در صورتیکه باایع مطابق قرارداد یا این کنوانسیون کالا را تحویل مؤسسه حمل و نقل نماید، ولی بوسیله علامت گذاری روی کالا یا بوسیله اسناد حمل یا به نحو دیگر، کاملاً مشخص نشده باشد که مشخص نمودن کالا، از حمل آن مطلع نماید.

هرگاه باایع مکلف شده باشد که ترتیب حمل کالا را بدهد، باید قراردادهای لازم را جهت حمل کالا به محل تعیین شده با وسایل حمل و نقلی که مناسب اوضاع و احوال و منطبق با شرایط متعارف این قبیل حمل و نقل باشد، منعقد سازد.

چنانچه باایع مکلف به بیمه کالا در رابطه با حمل آن نباشد، باید، بنا به تقاضای مشتری، کلیه اطلاعات موجود را که برای قادر ساختن مشتری جهت بیمه کالا ضروری است، در اختیار او قرار دهد.

### مادة 33

بایع مکلف است در مواعد زیر کالا را  
تسلیم نماید:

الف - چنانچه در قرارداد تاریخی  
تعیین شده، یا براساس آن تاریخی قابل  
تعیین باشد، در همان تاریخ؛

ب - چنانچه در قرارداد، مدتی معین  
شده یا براساس آن مدتی قابل تعیین  
باشد، ظرف مدت مزبور، مگر اینکه اوضاع  
و احوال حاکی از این باشد که تعیین  
تاریخ مشخص در خلال مدت مزبور با مشتری  
است؛ یا

ج - در سایر موارد، ظرف مدت معقولي  
پس از انعقاد قرارداد.

### مادة 34

چنانچه بایع مکلف به تحویل مدارك  
مربوط به کالا باشد، باید آنها را در  
زمان و مکان و نیز به شکلی که در  
قرارداد مقرر شده است، تحویل نماید. در  
صورتی که بایع مدارك مربوط را پیش از  
تاریخ مقرر تحویل دهد، می‌تواند تا فرا  
رسیدن موعد، هر نوع عدم مطابقت در مدارك  
را رفع نماید به شرط آنکه اعمال این

حق، موجب زحمت غیرمعقول مشتری یا تحمیل هزینه‌های نامعقول بر او نباشد. مع هذا هر نوع حق مطالبه خسارت به نحوی که در این کنوانسیون مقرر شده، برای مشتری محفوظ است.



## بخش دوم

### مطابقت کالا و ادعاهای شخص ثالث

#### مادة 35

بایع باید کالایی را تسلیم نماید که دارای مقدار و کیفیت [جنس] صف مقرر در قرارداد باشد و نیز به همان ترتیبی که در قرارداد مقرر شده است بسته‌بندی یا ظرف بندی گردیده باشد.

جز در مواردی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند، کالا منطبق با قرارداد محسوب نمی‌شود، مگر اینکه:

الف - مناسب با مقاصد باشد که عرفاً کالاهایی با همان اوصاف برای مقاصد مزبور، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛

ب - مناسب با هر نوع مقصود خاصی باشد که به نحو صریح یا ضمنی در زمان انعقاد قرارداد به آگاهی بایع رسیده است، مگر اینکه اوضاع و احوال حاکی از این باشد که مشتری به مهارت و تشخیص بایع اعتماد نکرده یا اعتماد او به مهارت و تشخیص بایع، غیرمعقول بوده است؛

ج - واجد اوصاف كالايي باشد كه بايع به عنوان مسطوره يا نمونه به مشتري ارائه نموده است؛

د- به ترتيب متعارف جهت اين قبيل كالاها، يا در صورتيكه ترتيب متعارفي موجود نباشد، به نحوي كه بقا و سلامت كالا تأمين شود در ظرف گنجانده يا بسته بندي شده باشد.

هرگاه مشتري در زمان انعقاد قرارداد از عدم انطباق كالا با قرارداد [تخلف و صف] آگاه بوده يا نمي توانسته است در اين خصوص نا آگاه باشد، بايع نسبت به هر نوع عدم انطباق، مسئوليتي طبق مقررات قسمتهاي «الف» تا «د» بند پيشين نخواهد داشت.

### مادة 36

1- بايع طبق قرارداد و اين عنوانسيون، مسئول هر نوع عدم انطباق است كه در هنگام انتقال ضمان به مشتري وجود دارد، هرچند كه عدم انطباق پس از آن زمان آشكار شود.

2- بايع همچنين مسئول هر نوع عدم انطباق است كه پس از زمان مذكور در

بند پيشين حادث شود و ناشي از نقض هر يك از تعهدات وي باشد، از جمله نقض هر نوع ضمانت بايع دايـر بر اينـكه كالا تا مدتي جهت استفاده براي مقاصد عادي يا براي برخي مقاصد خاص، مناسب خواهد بود يا خصايس يا اوصاف معينـي را حفظ خواهد كرد.

### مادة 37

هرگاه بايع كالا را پيش از موعد مقرر تسليم نموده باشد، تا فرا رسيدن موعد مزبور ميـتواند قسـمتهاي كسري را تحويل دهد يا هرگونه نقصاني در مقدار را جبران كند يا كالاي ديگري را عوض كالاي غيرمنطبق تسليم نمايد يا هر نوع عدم انطباقي را در كالا تسليم شده مرتفع سازد، مشروط بر اينكه اعمال اين حق موجب زحمت غيرمعقول مشتري يا تحميل هزينههاي غيرمعقول بر او نباشد. مع هذا هر نوع حق مطالبه خسارت بهنجوي كه در اين كنوانسيون مقرر شده است براي مشتري محفوظ ميـباشد.

### مادة 38

1- مشتري بايد ظرف کوتاه‌ترین مدتي که با توجه به اوضاع و احوال عملاً ممکن باشد، کالا را بازرسي يا موجبات بازرسي آنها را فراهم نمايد.

2- اگر قرارداد متضمن حمل کالا باشد، امر بازرسي مي‌تواند تا وصول کالا به مقصد به تعويق افتد.

3- هرگاه مشتري مسير و مقصد کالاي در راه را تغيير دهد يا کالا را مجدداً [به مقصد ديگر] ارسال کند بدون اينکه فرصت معقولي جهت بازرسي داشته باشد و در زمان انعقاد قرارداد، بايع نسبت به امکان اينگونه تغيير مقصد يا ارسال مجدد [به مقصد ديگر] آگاهي داشته يا بايد آگاهي مي‌داشت، امر بازرسي مي‌تواند تا وصول کالا به مقصد جديد به تعويق افتد.

### مادة 39

1- در صورتيکه مشتري ظرف مدت متعارفي پس از اينکه عدم انطباق کالا را کشف کرد يا مي‌بايد کشف مي‌کرد، يادداشتي حاكي از تعيين نوع عدم انطباق جهت

بایع ارسال نکند، حق او در استناد به  
عدم انطباق کالا ساقط می‌شود.  
2- در هر حال، اگر مشتری حداکثر  
ظرف دو سال از تاریخی که عملاً کالا به او  
تسلیم شده است یادداشتی حاکی از عدم  
انطباق جهت بایع ارسال نکند، حق او در  
استناد به عدم انطباق ساقط می‌شود، مگر  
اینکه این مهلت با دوره تضمین کالا که  
در قرارداد تعیین شده است، مغایر باشد.

#### مادة 40

هر گاه عدم انطباق مربوط به اموري باشد که بايع نسبت به آن آگاه بوده يا نمي‌توانسته است ناآگاه باشد و آن را به اطلاع مشتري نرسانده باشد، حق استناد به مقررات مواد 38 و 39 را نخواهد داشت.

بايع بايد کالايي را که مصون از هرگونه حق يا ادعاي شخص ثالث است، تسليم نمايد، مگر اينکه مشتري راضي به دريافت کالايي باشد که موضوع حق يا ادعاي شخص ثالث است. مع هذا هرگاه اين حق يا ادعا ناشي از مالکيت صنعتي يا ساير مالکيتهاي معنوي باشد، تعهدات بايع مشمول ماده 42 خواهد بود.

#### مادة 42

1- بايع بايد کالايي را تحويل دهد که از هرگونه حق يا ادعاي شخص ثالث از مالکيت صنعتي يا ساير انواع مالکيت معنوي که هنگام انعقاد قرارداد بايع از آنها مطلع بوده يا نمي‌توانسته است نسبت به آنها بي‌اطلاع باشد، مصون باشد، مشروط بر اينکه:

الف - اگر طرفین هنگام انعقاد قرارداد، فروش مجدد کالا یا استفاده از آن به نحو دیگر را در کشور معینی پیشبینی کرده و انتظار داشته‌اند، در این صورت حق یا ادعای مذکور طبق قوانین همان کشور ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های معنوی باشد؛ یا

ب - در سایر موارد، حق یا ادعای مذکور طبق قوانین کشور محل تجارت مشتری، ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های معنوی باشد.

2- تعهدات بایع حسب بند پیشین، به موارد زیر تسری نمی‌یابد:

الف - مشتری در زمان انعقاد قرارداد از حق یا ادعای مزبور مطلع بوده یا نمی‌توانسته است بی‌اطلاع باشد؛ یا

ب - حق یا ادعای مذکور ناشی از تبعیت بایع از نقشه‌های فنی، طرح‌ها، فرمول‌ها و سایر مشخصات مشابهی بوده است که توسط مشتری تهیه شده‌اند.

مادة 43

1- در صورتی که مشتری ظرف مدت معقولی پس از آنکه نسبت به حق یا ادعای شخص ثالث آگاه شده یا میباید آگاه می‌شده است یادداشتی مبنی بر تعیین نوع آن حق یا ادعا جهت بایع ارسال نکند، حق استناد به مقررات مواد 41 یا 42 را از دست خواهد داد.

2- در صورتی که بایع نسبت به حق یا ادعای شخص ثالث و نوع آن حق یا ادعا عالم باشد، حق استناد به مقررات بند پیشین را نخواهد داشت.

#### مادة 44

با وجود مقررات بند 1 مادة 39 و بند 1 مادة 43، در صورتی که مشتری برای عدم ارسال یادداشت لازم، عذر موجهی داشته باشد، می‌تواند مطابق با مادة 50، ثمن را تقلیل دهد یا مطالبه خسارت، بجز عدم النفع، بنماید.



## بخش سوم

جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد توسط  
بایع

### مادة 45

1- هرگاه بایع در ایفای هر یک از تعهدات خود طبق قرارداد یا این کنوانسیون، کوتاهی کند، مشتری می‌تواند: الف - حقوق مقرر در مواد 46 تا 52 را اعمال نماید؛

ب - به ترتیب مقرر در مواد 74 و 77 مطالبه خسارت کند.

2- استفاده از حق توسل به سایر طرق جبران خسارت، مشتری را از هیچ حقی که ممکن است جهت مطالبه خسارت داشته باشد، محروم نمی‌کند.

3- در صورتی که مشتری به یکی از طرق جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد متوسل شود، دادگاه یا دیوان داور، هیچگونه مهلت اضافی به بایع اعطا نخواهد کرد.

## مادة 46

1- مشتري مي‌تواند ايفاي تعهدات بايع را از او بخواهد، مگر اينكه به يكي از از طرق جبران خسارت كه با اين درخواست وي منافات داشته باشد، متوسل شده باشد.

2- هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتري در صورتي مي‌تواند تسليم بدل آن را درخواست نمايد كه مغايرت کالا متضمن نقض اساسي قرارداد باشد و درخواست بدل کالا از طريق اخطار موضوع ماده 39 يا ظرف مدت معقولي پس از آن صورت گيرد.

3- هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتري مي‌تواند از فروشنده بخواهد كه عدم انطباق را با تعمير کالا جبران نمايد، مگر اينكه چنين درخواستي با توجه به اوضاع و احوال، غيرمعقول باشد. درخواست تعمير بايد از طريق اخطار موضوع ماده 39 يا ظرف مدت معقولي پس از آن صورت گيرد.

## مادة 47

1- مشتري مي‌تواند جهت ايفاي تعهدات بايع، مهلتي اضافي و معقول تعيين کند.

2- مشتري جز در مواردی که از بايع اخطاري داير بر اينکه بايع در مدت تعديت شده اضافي تعهدات خود را ايفا نخواهد کرد دريافت کرده باشد، نمي‌تواند در مدت مزبور از بابت نقض قرارداد به هيچ يك از طرق جبران خسارت متوسل شود.

مع هذا مشتري از هيچ يك از حقيقي که ممکن است در مورد مطالبه خسارت ناشي از تأخير در ايفاي تعهد داشته باشد، محروم نخواهد شد.

## مادة 48

1- با رعایت ماده 49، بایع می‌تواند حتی پس از موعد تسلیم، هر نوع قصور در ایفای تعهد را به هزینه خود جبران نماید به شرط آنکه بتواند اینکار را بدون تأخیر غیرمعقول و بدون اینکه موجب زحمت غیرمعقول مشتری شود انجام دهد و باعث عدم اعتماد مشتری نسبت به بازپرداخت هزینه‌هایی که مشتری به صورت پیش‌پرداخت انجام داده است، نشود. مع هذا هر نوع حق مطالبه خسارت برای مشتری، به ترتیبی که در این کنوانسیون مقرر شده است، محفوظ خواهد بود.

2- هرگاه بایع از مشتری درخواست نماید تا نظر خود را در این خصوص که آیا ایفای تعهد توسط بایع را خواهد پذیرفت یا خیر اعلام نماید و مشتری ظرف مدت معقولی این درخواست را اجابت ننمایند، بایع می‌تواند ظرف مدت منعکس در درخواست خود، تعهدش را ایفا کند. مشتری ظرف مدت مزبور نمی‌تواند به هیچ‌یک از طرق جبران خسارت که مغایر با ایفای تعهد بایع باشد، متوسل گردد.

3- اعلام بايع دایر بر اینکه ظرف مدت معیني تعهد خود را ایفا خواهد نمود، به منزلة استعمال از تصمیم مشتري مطابق بند پیشین است.

4- تقاضا یا اخطاري که به موجب بندهاي 2 یا 3 این ماده به عمل آمده، بلاثر است، مگر اینکه به مشتري واصل شده باشد.

#### مادة 49

در موارد زیر مشتري می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید:

الف- در صورتی که عدم ایفای هر يك از تعهدات بايع به موجب قرارداد یا این کنوانسیون، نقض اساسي قرارداد محسوب شود؛ یا

ب- در صورت عدم تسلیم کالا، هرگاه بايع ظرف مدت اضافي که مطابق بند 1 ماده 47 توسط مشتري تعیین شده است، کالا را تسلیم ننماید یا اعلام کند که ظرف مدت مزبور، کالا را تسلیم نخواهد کرد.

مع هذا در مواردی که بايع کالا را تسلیم نموده باشد، مشتري حق اعلام بطلان

قرارداد را از دست خواهد داد، مگر اینکه:

الف - در صورت تأخیر تسلیم، مشتری ظرف مدت معقولي پس از وقوف به انجام تسلیم، اعلام بطلان کند؛

ب - در صورت نقض هر يك از تعهدات [از جانب بايع] جز تأخیر تسلیم، ظرف مدت معقولي به شرح ذیل اعلام بطلان نماید:

1- پس از اینکه نسبت به نقض، اطلاع حاصل نموده یا میباید اطلاع حاصل میکرده است؛

2- پس از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند 1 ماده 47 توسط مشتری، تعیین شده است یا پس از اعلام بايع مبني بر اینکه ظرف مدت مزبور، تعهدات خود را ایفا نخواهد کرد؛ یا

3- پس از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند 2 ماده 48 توسط بايع تعیین شده است یا پس از اعلام مشتری دایر بر اینکه ایفای تعهد را قبول نخواهد کرد.

مادة 50

در صورتی که کالای تسلیم شده منطبق با قرارداد نباشد و اعم از اینکه ثمن قبلاً تأدیه شده یا نشده باشد، مشتری می‌تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیم شده در روز تسلیم و ارزشی که کالای منطبق با قرارداد در روز تسلیم دارا می‌بوده است، ثمن را تقلیل دهد. مع هذا هرگاه بایع مطابق مواد 37 یا 38 هر نوع قصور در ایفای تعهدات خود را جبران کند یا در صورتیکه مشتری مطابق مواد مذکور، از قبول انجام تعهد بایع خودداری ورزد، مشتری نمی‌تواند ثمن را کاهش دهد.

#### مادة 51

1- در صورتی که بایع تنها قسمتی از کالا را تسلیم کند یا تنها قسمتی از کالای تسلیم شده مطابق قرارداد باشد، مواد 46 تا 50 نسبت به بخشی که تسلیم نشده یا منطبق با قرارداد نیست، اعمال خواهد شد.

2- مشتری فقط در صورتی حق اعلام بطلان کل قرارداد را دارد که قصور در تسلیم همه کالا یا قصور در تسلیم کالای

منطبق با قرارداد، نقض اساسی قرارداد محسوب گردد.

#### مادة 52

1- در صورتی که بایع کالا را پیش از موعد تعیین شده تسلیم نماید، مشتری مخیر است که آن را قبض نماید یا از قبض آن امتناع ورزد.

2- هرگاه بایع زائد بر مقدار کالای مورد قرارداد تسلیم نماید، مشتری مخیر است که مقدار زائد را قبض نماید یا از قبض آن امتناع ورزد. چنانچه مشتری همه یا قسمتی از کالاهای زائد را قبض کند، باید ثمن آن را مطابق نرخ قرارداد تأدیه نماید.

#### مبحث سوم

#### تعهدات مشتری

#### مادة 53

مشتری مکلف است به ترتیب مقرر در قرارداد و این کنوانسیون، ثمن کالا را تأدیه و کالا را قبض نماید.

#### بخش اول



## تأدية ثمن

### مادة 54

تعهدات مشتري دایر بر تأدية ثمن، شامل اقدامات و رعایت تشریفات است که حسب قرارداد یا هر نوع قانون و مقررات دیگر، برای امکان تأدية ثمن لازم دانسته شود.

### مادة 55

هرگاه قراردادي به نحو صحیح منعقد شده باشد، ولي ثمن بطور صریح یا ضمنی تعیین نگردیده یا ضوابطی جهت تعیین ثمن پیشبینی نشده باشد، در صورت فقدان دلیل مخالف، چنین فرض می شود که متعاملین بطور ضمنی ثمنی را که در زمان انعقاد قرارداد برای فروش این قبیل کالا در اوضاع و احوال مشابه در نوع تجارت مربوطه رایج بوده، در نظر داشته اند.

### مادة 56

اگر ثمن برحسب وزن کالا تعیین شده باشد، در صورت بروز تردید، وزن خالص ملاک تعیین ثمن است.

## مادة 57

1- هرگاه مشتري ملزم به تأديۀ ثمن در محل معين ديگري نباشد، مكلف است ثمن را:

الف - در محل تجارت بايع به وي تأديه كند، يا

ب - در صورتي كه تأديۀ ثمن منوط به تسليم کالا يا اسناد باشد، آن را در محل تسليم کالا يا اسناد تأديه نمايد.

2- هر نوع افزايش هزينه اي كه لازمة پرداخت [ثمن] و ناشي از تغيير محل تجارت بايع از انعقاد قرارداد باشد، به عهدة اوست.

## مادة 58

1- هرگاه مشتري ملزم به تأديۀ ثمن در زمان معين ديگري نباشد، مكلف است در زماني كه بايع، کالا يا اسناد استيلاي بر آن را طبق قرارداد و اين كنوانسيون در اختيار او قرار مي دهد، ثمن را تأديه كند. بايع مي تواند تسليم کالا يا اسناد مربوطه را مشروط به تأديۀ ثمن نمايد.

2- هرگاه قرارداد متضمن حمل کالا باشد، بايع مي‌تواند کالا را با قيد اين شرط كه تسليم کالا يا اسناد آن به مشتري، موكل به تأديۀ ثمن باشد، ارسال نمايد.

3- تا زماني كه مشتري فرصت بازرسي کالا را نيافته است، ملزم به تأديۀ ثمن نيست، مگر اينكه نحوه تسليم يا تأديۀ مورد توافق متعاملين، با قائل شدن چنين فرصتي براي او منافات داشته باشد. مشتري مكلف است دو موعده مقرر يا قابل‌تعيين بوسيلة قرارداد و اين كنوانسيون، بدون اينكه مستلزم تقاضا يا رعايت تشريفاتي از ناحية بايع باشد، ثمن نمايد.

بخش دوم  
قبض کالا

**مادة 60**

تعهد مشتري به قبض کالا عبارت است  
از:

الف - انجام کلیة اقداماتی که  
به منظور قادر ساختن بایع بر تسلیم،  
عرفاً از مشتري انتظار می‌رود، و  
ب- قبض کالا.

بخش سوم

جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد  
بوسیلة مشتري

**مادة 61**

هر گاه مشتري در ایفای هر يك از  
تعهدات خود طبق قرارداد یا این  
کنوانسیون کوتاهی ورزد، بایع می‌تواند:  
الف- حقوق مقرر در مواد 62 تا 65 را  
اعمال کند؛

ب- به ترتیب مقرر در مواد 74 تا 77  
مطالبه خسارت نماید.

استفاده از حق توسل به سایر طرق  
جبران خسارت، بایع را از هیچ حقی که  
ممکن است برای مطالبه خسارت داشته باشد  
محروم نمی‌کند.

در صورتی که بایع به یکی از طرق  
جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد متوسل  
شود دادگاه یا دیوان داور هیچ‌گونه  
مهلت اضافی به مشتری اعطا نخواهد کرد.

## ماده 62

بایع می‌تواند تأدیة ثمن، قبض مبیع یا ایفای سایر تعهدات مشتری را از وی بخواهد، مگر اینکه به یکی از طرق جبران خسارت که با این درخواست وی منافات داشته باشد، متوسل باشد.

## ماده 63

1- بایع می‌تواند جهت ایفای تعهدات مشتری، مهلتی اضافی و معقول تعیین کند.  
2- جز در موردی که بایع از مشتری یادداشتی دایر بر اینکه مشتری در مهلت تعیین شده به تعهد خود عمل نخواهد کرد، دریافت نماید، بایع نمی‌تواند در طول مهلت مزبور از بابت نقض قرارداد، به هیچ‌یک از طرق جبران خسارت متوسل شود. مع‌هذا بایع از هیچ‌یک از حقوقی که ممکن است در مورد دعوی خسارت ناشی از تأخیر تأدیة داشته باشد، محروم نخواهد شد.

## ماده 64

1- در موارد زیر، بایع می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید:

الف- در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات مشتری به موجب قرارداد یا این کنوانسیون، نقض اساسی قرارداد محسوب شود؛ یا

ب- هرگاه مشتری ظرف مدت اضافی که مطابق بند 1 ماده 63 توسط بایع تعیین شده است، تعهدات خود را در زمینه تأدیة ثمن یا قبض کالا ایفا نکند یا اعلام نماید که ظرف مدت مزبور، ایفای تعهد نخواهد کرد.

2- مع هذا در مواردی که مشتری، ثمن را تأدیة نموده باشد، بایع حق اعلام بطلان نخواهد داشت، مگر اینکه:

الف- در صورت تأخیر در ایفای تعهد از طرف مشتری، پیش از وقوف به انجام تعهد، اعلام بطلان کند؛ یا

ب - در صورت نقض هر یک از تعهدات، غیر از تأخیر در ایفای تعهد، ظرف مدت متعارف به شرح ذیل اعلام بطلان نماید:

1- پس از اینکه نسبت به نقض، اطلاع حاصل نموده یا میباید اطلاع حاصل می کرد؛ یا

2- پس از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند 1 ماده 63 توسط او تعیین شده

است یا پس از اعلام مشتری مبني بر اینکه ظرف مدت مزبور، تعهدات خود را ایفا نخواهد کرد.

#### مادة 65

1- چنانچه حسب قرارداد، تعیین شکل، اندازه یا سایر مشخصات کالا به عهده مشتری باشد و او در انجام این امر قصور ورزد، اعم از اینکه قصور در تاریخ مورد توافق صورت گیرد یا ظرف مدت متعارفی پس از وصول تقاضای تعیین مشخصات از جانب بایع، بایع می‌تواند بدون اینکه خدشه‌ای به سایر حقوقش وارد گردد، باتوجه به خواسته‌های مشتری که ممکن است بر او معلوم باشد، رأساً مشخصات کالاها را تعیین کند.

2- چنانچه خود بایع مشخصات کالا را تعیین کند، باید جزئیات آن را به آگاهی مشتری رسانده و مدت متعارفی تعیین نماید تا ظرف مدت مزبور، مشتری بتواند در صورت تمایل، مشخصات متفاوتی اعلام کند. هرگاه پس از وصول چنین اعلامی، مشتری ظرف مدت مقرر، مشخصات کالا را



تعیین نکنند، مشخصات تعیین شده از طرف  
بایع، لازم الاتباع است.

### مبحث چهارم انتقال ضمان

#### مادة 66

پس از انتقال ضمان به مشتری، تلف  
یا زیان وارده به کالا موجب برائت او از  
تأدیة ثمن نمی‌شود، مگر اینکه تلف یا  
زیان وارده، ناشی از فعل یا ترك فعل  
بایع باشد.

#### مادة 67

1- هرگاه قرارداد بیع متضمن حمل  
کالا باشد و بایع ملزم به تسلیم آنها در  
محل معینی نباشد، از زمانی که کالا  
مطابق قرارداد بیع، جهت ارسال به مشتری  
تسلیم اولین متصدی حمل و نقل می‌شود،  
ضمان به مشتری منتقل می‌گردد. هرگاه  
بایع ملزم به تسلیم کالا به متصدی حمل و  
نقل در محل معینی باشد، تا زمانی که  
کالا تسلیم متصدی حمل و نقل در محل  
مزبور نشده است، ضمان به مشتری منتقل  
نخواهد شد. این امر که بایع مجاز باشد

اسناد کالاها را نزد خود نگه دارد، اثری در انتقال ضمان نخواهد داشت.

2- با این وصف، تا زمانی که کالای موضوع قرارداد، خواه از طریق علامتگذاری روی آنها، خواه بوسیله بارنامه‌ها و خواه با اخطار به مشتری یا به نحو دیگر، کاملاً مشخص نشده باشند، ضمان به مشتری منتقل نخواهد شد.

## مادة 68

در مورد مبيعي که در حال حمل [در راه] فروخته مي‌شود، ضمان از تاريخ انعقاد قرارداد به مشتري منتقل مي‌شود. مع هذا اگر از اوضاع و احوال چنين برآيد، از تاريخ تسليم کالا به مؤسسه حمل و نقلي که اسناد مربوط به قرارداد حمل را صادر مي‌کند، ضمان بر ذمه مشتري مستقر خواهد شد. با اين وصف، چنانچه بايع در زمان انعقاد قرارداد نسبت به تلف کالا يا زيان ديدن آن اطلاع داشته يا مي‌بايد اطلاع مي‌داشت و اين امر را به آگاهي مشتري نرسانده باشد، ضامن تلف يا زيان خواهد بود.

## مادة 69

در غير موارد مندرج در مواد 67 و 68 از تاريخي که مشتري کالا را قبض مي‌کند، يا چنانچه در موعد مقرر اقدام به قبض ننمايد، از تاريخي که کالا در اختيار وي قرار داده شده است و به لحاظ قصور در قبض، مرتکب نقض قرارداد مي‌گردد، ضمان به ذمه او منتقل مي‌شود.

مع هذا چنانچه مشتري ملزم به قبض کالا در محلي غير از محل تجارت بايع باشد، با فرارسيدن موعده تسليم و اطلاع مشتري از اينکه کالا در محل مزبور در اختيار او قرار داده شده است، ضمان به وي منتقل ميشود.

چنانچه قرارداد راجع به کالاي باشد که در زمان انعقاد قرارداد مشخص نگردیده است، تا زمانی که مشخص نشده که کالاي تحويلى مربوط به قرارداد ميشود، فرض بر اين است که آن کالا در اختيار مشتري قرار نگرفته است.

## مادة 70

چنانچه بايع مرتكب نقض اساسي قرارداد شده باشد، مواد 67، 68 و 69 مانع از توسل مشتري به طرق جبران خسارت ناشي از نقض که در دسترس اوست، نخواهد بود.

### مبحث پنجم

مقررات مشترك ناظر بر تعهدات بايع و مشتري

### بخش اول

پيش‌بيني نقض و قراردادهای اقساطي

## مادة 71

1- چنانچه پس از انعقاد قرارداد معلوم شود که يکي از طرفين به علل زیر، بخش اساسي تعهدات خود را ایفا نخواهد نمود، طرف دیگر حق خواهد داشت اجرائي تعهدات خود را معلق نماید:

الف- نقصان فاحش در توانايي متعهد به انجام تعهد يا در اعتبار او؛ يا  
ب- نحوه رفتار او در تمهيد مقدمه اجرائي قرارداد يا در اجرائي قرارداد.

2- چنانچه باایع پیش از ظهور جهات موصوف در بند پیشین، کالا را ارسال نموده باشد، می‌تواند از تسلیم آن به مشتری جلوگیری کند هرچند مشتری دارای سندی باشد که او را محق به وضع ید بر کالا می‌کند.

3- طرفی که اجرای تعهدات خود را، خواه قبل از ارسال کالا یا بعد از آن، معلق می‌نماید مکلف است فوراً اخطار تعلیق را جهت طرف دیگر ارسال نماید و در صورتی که طرف مزبور در زمینه ایفای تعهد خود اطمینان کافی فراهم نماید، اجرای تعهد خود را از سر گیرد.

#### مادة 72

1- هرگاه پیش از تاریخ اجرای قرارداد، معلوم شود که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد، طرف دیگر می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید.

2- طرفی که قصد اعلام بطلان دارد، چنانچه وقت اقتضا کند، مکلف است اخطار متعارفی به طرف دیگر بدهد تا برای او

این امکان فراهم شود که اطمینان کافی جهت ایفای تعهدش بدهد.

3- چنانچه طرف دیگر اعلام کرده باشد که تعهدات خود را اجرا نخواهد کرد، الزامات مذکور در بند پیشین منتفی خواهند بود.

### مادة 73

1- در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساط [به دفعات]، چنانچه قصور یکی از طرفین نسبت به اجرای هر قسط، متضمن نقض اساسی قرارداد در رابطه با آن قسط باشد، طرف دیگر در رابطه با آن قسط، اختیار اعلام بطلان دارد.

2- چنانچه قصور یکی از طرفین در اجرای تعهدات نسبت به هر یک از اقساط، دلایل قانع‌کننده‌ای در اختیار طرف دیگر قرار دهد که نسبت به اقساط آتی نیز نقض اساسی قرارداد صورت خواهد گرفت، طرف اخیر حق دارد قرارداد را نسبت به آینده باطل اعلام نماید، مشروط بر اینکه ظرف مدت متعارفی اقدام به چنین امری کند.

3- در موردی که مشتری در رابطه با هر یک از دفعات تسلیم، اعلام بطلان

می‌کند، می‌تواند همزمان با چنین اعلام بطلانی نسبت به فقرات انجام شده قبلی یا فقرات آتی نیز اعلام بطلان کند، مشروط بر اینکه به علت وابستگی متقابل [آحاد] کالا نتوان از آنچه تسلیم شده یا می‌شود در مقاصد مورد نظر طرفین هنگام انعقاد قرارداد استفاده کرد.

#### بخش دوم

خسارات [حاصله از عدم اجرای تعهد]

#### مادة 74

خسارات ناشی از نقض قرارداد بوسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم النفعی، که طرف دیگر برائثر نقض متحمل شده است. این خسارات نمی‌تواند از مقدار زیانی که نقض‌کننده، در زمان انعقاد قرارداد و به مدد واقعیات و موضوعاتی که در همان موقع بدانها واقف بوده یا می‌باید واقف می‌بوده، به عنوان اثر ممکن الحصول نقض قرارداد پیش‌بینی کرده یا می‌باید پیش‌بینی می‌کرده است، متجاوز باشد.



## مادة 75

هرگاه قرارداد باطل شده باشد و مشتری پس از بطلان، به شیوه‌ای متعارف و ظرف مدتی متعارف، کالای دیگری به جای مبیع خریده باشد، یا بایع مبیع را به دیگری فروخته باشد، طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند تفاوت قیمت مذکور در قرارداد با قیمت حاصل از معامله جانشین و همچنین هر نوع خسارت دیگر را که به موجب ماده قبل قابل‌وصول باشد، مطالبه و وصول نماید.

## مادة 76

1- هرگاه قرارداد باطل شده و برای کالا قیمت رایجی موجود باشد، طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند در صورتیکه به موجب ماده 75 به خرید یا فروش مجدد مبادرت نزموده باشد، تفاوت بین قیمت تعیین شده در قرارداد و قیمت رایج در زمان بطلان و همچنین سایر خسارات قابل‌وصول طبق ماده 74 را مطالبه و وصول نماید. مع هذا اگر طرفی که مدعی خسارت است پس از قبض کالا مبادرت به ابطال طرفی که مدعی خسارت است پس از قبض کالا

مبادرت به ابطال قرارداد نموده باشد، قیمت رایج در زمان قبض به جای قیمت رایج در زمان بطلان، ملاک خواهد بود.

2. از نظر بند پیشین، قیمت رایج عبارت است از قیمت مداول در محلی که کالا میباید در آنجا تسلیم می شد یا چنانچه در آن محل قیمت رایجی موجود نباشد، با احتساب هزینه های حمل، قیمت رایج در محل دیگری که عرفاً جایگزین محل مزبور باشد.

#### مادة 77

طرفی که به نقض قرارداد استناد می کند، مکلف است حسب اوضاع و احوال در جهت کاهش زیان - منجمله عدم النفع - ناشی از نقض، اقدامات متعارف را معمول دارد. در صورتی که وی در انجام اقدامات فوق قصور نماید، نقض کننده می تواند به میزانی که خسارت میباید تقلیل می یافته است، مدعی کاهش خسارت گردد.

## بخش سوم

### بهره

#### مادة 78

هرگاه یکی از طرفین، ثمن یا وجوه دیگری را که پرداخت آنها به تأخیر افتاده است تأدیه ننمایند، طرف دیگر مستحق دریافت بهره خواهد بود بدون اینکه به حق او در ادعای خسارت موضوع ماده 74 خللی وارد آید.

## بخش چهارم

### موارد رفع مسئولیت

#### مادة 79

1- طرفی که هر یک از تعهدات خود را ایفا نکرده است، چنانچه ثابت نماید که عدم ایفا به واسطه حادثه‌ای خارج از اقتدار او بوده و ثابت کند که نمی‌توان عرفاً از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرار داد، آن حادثه را ملحوظ داشته یا از آن یا آثار آن اجتناب نموده یا آنها را دفع کرده باشد، مسئول نخواهد بود.

2- اگر قصور طرف ناشی از قصور شخص ثالثی باشد که برای اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد او را بکار گرفته است طرف مزبور تنها در صورتی از مسئولیت معاف می‌باشد که:

الف- به موجب بند پیشین، از مسئولیت معاف باشد؛ و

ب- متصدی انجام تعهد از جانب او نیز، در صورت اعمال مقررات بند پیشین بر او، از مسئولیت مبری باشد.

3- معافیت مقرر در این ماده ظرف مدتی که حادثه جریان دارد، واجد اثر خواهد بود.

4- طرفی که در اجرای تعهد خود قصور می‌ورزد، مکلف است طی اخطاری وقوع حادثه و آثار آن را بر توانایی خود در اجرای قرار داد به آگاهی طرف دیگر برساند. چنانچه اخطار وی ظرف مدت متعارفی پس از اینکه به حادثه وقوف یافته یا می‌باید وقوف می‌یافته است، به طرف دیگر واصل نشود، طرف قاصر مسئول خسارات ناشی از عدم وصول خواهد بود.

5- هیچیک از مندرجات این ماده مانع طرفین از اعمال هر نوع حق، غیر از

مطالبه خسارات موضوع این کنوانسیون، نخواهد بود.

#### مادة 80

هیچ یک از طرفین نمیتواند تا جایی که قصور طرف دیگر ناشی از فعل یا ترك فعل خود او باشد، به قصور طرف دیگر استناد کند.

### بخش پنجم آثار بطلان

#### مادة 81

1— بطلان قرارداد، طرفین را از انجام تعهدات موضوع قرارداد، به شرط تأدیة هر نوع خسارت قابل مطالبه، مبری میکند. بطلان، تأثري در شرایط قرارداد در مورد حل اختلافات یا بر سایر شرایط قرارداد که حاکم بر حقوق و تکالیف طرفین پس از بطلان است، نخواهد داشت.

2— طرفی که تمام یا قسمتی از قرارداد را اجرا کرده است، میتواند از طرف دیگر اعادة آنچه را که به موجب قرارداد، تحویل یا تأدیة نموده، طلب

کند. چنانچه هر دو طرف ملزم به اعاده باشند، باید همزمان اقدام نمایند.

## مادة 82

1- چنانچه براي مشتري اعاده کالا عمدتاً به همان وضعيتي که آنها را دريافت داشته است مقدور نباشد، حق اعلام بطلان يا الزام بايع به تسليم بدل کالا را از دست خواهد داد.

2- بند پيشين شامل موارد زير نخواهد بود:

الف- چنانچه عدم امکان اعاده کالا، يا عدم امکان اعاده آن عمدتاً با همان وضعيتي که مشتري دريافت نموده است، ناشي از فعل يا ترك فعل وي نباشد؛

ب- چنانچه تمام يا قسمتي از کالا بر اثر بازرسي موضوع مادة 38 از بين رفته يا در معرض نابودي قرار گرفته باشد؛ يا  
ج- چنانچه تمام يا قسمتي از کالا، پيش از اينکه مشتري عدم انطباق آن را کشف نمايد يا مي بايد کشف مي کرد، در جريان عادي کسب وي فروخته شده يا در جريان عادي استفاده مشتري مصرف شده يا تغيير شکل داده باشد.

### مادة 83

در موردی که مشتری مطابق ماده 82 حق اعلام بطلان یا مطالبه کالای بدل از بایع را از دست می‌دهد، سایر طرق جبران خسارت حسب قرارداد و این کنوانسیون برای او محفوظ خواهد ماند.

## مادة 84

- 1- چنانچه بايع ملزم به رد ثمن باشد، مكلف است بهره آن را از تاريخ تأديۀ ثمن، بپردازد.
- 2- در موارد زير، مشتري مكلف است منافع حاصله از تمام يا قسمتي از کالا را تحويل بايع نمايد:
  - الف- چنانچه مكلف به اعاده تمام يا قسمتي از کالا باشد؛ يا
  - ب- چنانچه اعاده تمام يا قسمتي از کالا يا اعاده تمام يا قسمتي از کالا عمدتاً با همان وضعيتي كه دريافت نموده براي وي مقدور نباشد، ولي با اين وصف، اعلام بطلان کرده يا از بايع مطالبۀ بدل نموده باشد.

### بخش ششم

#### حفظ و نگاهداری کالا

## مادة 85

هرگاه مشتري نسبت به قبض کالا تأخير نمايد يا در موردي كه تأديۀ ثمن و تحويل کالا مي‌بايد به صورت همزمان صورت گيرد، مشتري در تأديۀ ثمن قصور ورزد و



کالا در ید بایع بوده و یا وی به نحو دیگری بر کالا استیلا داشته باشد، بایع مکلف است، حسب اوضاع و احوال اقدامات متعارف را برای حفاظت کالا معمول دارد. تا زمانی که مشتری هزینه‌های متعارف انجام شده را تأدیه ننماید، بایع حق دارد کالا را حبس کند.

#### مادة 86

1- حقوق خود را در چهارچوب قرارداد و این کنوانسیون دایر بر رد آن داشته باشد، مکلف است، حسب اوضاع و احوال، اقدامات متعارف را برای حفاظت کالا معمول دارد. تا زمانی که بایع هزینه‌های انجام شده را تأدیه ننماید، مشتری حق دارد کالا را حبس کند.

2- چنانچه کالای ارسال شده جهت مشتری در مقصد مورد نظر در اختیار او قرار داده شود و او از حق رد استفاده کند، مکلف است به نیابت از بایع، کالا را در تصرف خود نگاه دارد به شرط آنکه این امر بتواند بدون پرداخت ثمن و بدون زحمت نامتعارف یا هزینه‌های نامعقول صورت گیرد. چنانچه بایع یا شخص مأذونی

که بتواند به نیابت از او حفظ کالا را به عهده گیرد در مقصد حاضر باشد، شرط مزبور اعمال نخواهد شد. هر گاه مشتری در چهارچوب این بند، کالا را در تصرف نگاه دارد، حقوق و تعهدات او مشمول بند پیشین خواهد بود.

#### مادة 87

طرفی که ملزم به انجام اقداماتی جهت نگهداری کالا است می‌تواند آن را به هزینه‌های طرف دیگر به انبار شخص ثالثی بسپارد، مشروط بر اینکه هزینه‌های متعلقه غیرمتعارف نباشد.

#### مادة 88

1- چنانچه طرف دیگر در تصرف کالا یا پس‌گرفتن آن یا در پرداخت ثمن یا هزینه‌های حفظ کالا به نحو غیرمتعارف تأخیر ورزد، طرفی که طبق مواد 85 یا 86 ملزم به حفظ کالا است می‌تواند آن را به طرف مقتضی بفروشد، مشروط بر اینکه اخطار متعارفی مبنی بر قصد فروش، جهت طرف دیگر ارسال کرده باشد.

2- هرگاه کالا در معرض فساد سریع باشد یا نگاهداری آن مستلزم هزینه غیرمتعارف باشد، طرفی که مطابق مواد 85 یا 86 ملزم به حفظ آن است، مکلف است جهت فروش آن اقدامات متعارفی معمول دارد. مشارالیه حتی‌الامکان مکلف است اخطاری مبنی بر قصد فروش جهت طرف دیگر ارسال نماید.

3- مبلغی معادل مخارج فروش و هزینه‌های متعارف نگاهداری کالا برای خود منظور نماید. مشارالیه مکلف است حساب باقیمانده را به طرف دیگر بدهد.

## فصل چهارم مقررات نهایی

### مادة 89

بدین وسیله دبیرکل سازمان ملل متحد به‌عنوان امین [اسناد] این کنوانسیون انتخاب می‌شود.

### مادة 90

این کنوانسیون نسبت به هیچ موافقتنامه بین‌المللی که قبلاً منعقد شده

یا ممکن است منعقد گردد و متضمن مقرراتی راجع به موضوعات مشمول این کنوانسیون باشد، حاکمیت نخواهد داشت، مشروط بر اینکه محل تجارت طرفین در کشورهای طرف چنان موافقتنامه‌ای واقع شده باشد.

#### مادة 91

1- این کنوانسیون در جلسه پایانی کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا جهت امضاء مفتوح است و تا سیام سپتامبر 1981 جهت امضای کلیه کشورهای در مقرر سازمان ملل، واقع در نیویورک، مفتوح باقی خواهد ماند.

2- این کنوانسیون، موکول به تصویب، قبول یا تأیید کشورهای امضاء کننده خواهد بود.

3- این کنوانسیون، از تاریخی که برای امضاء مفتوح می‌شود، جهت الحاق کلیه کشورهای که جزو کشورهای امضاءکننده نیستند مفتوح خواهد بود.

4— اسناد تصویب، قبول تأیید و الحاق باید به دبیرکل سازمان ملل، واقع در نیویورک، مفتوح باقی خواهد ماند.

#### مادة 92

1— هر يك از كشورهاي متعاهد مي‌تواند زمان امضاء، تصویب، قبول، تأیید یا الحاق، اعلام کند که ملزم به رعایت فصل دوم این کنوانسیون یا فصل سوم آن نخواهد بود.

2— هر يك از كشورهاي متعاهد که مطابق بند پیشین، نسبت به فصل دوم یا سوم این کنوانسیون مبادرت به صدور اعلامیه می‌نماید، نسبت به موضوعات فصلي که مشمول اعلامیه است، کشور متعاهد طبق بند 1 مادة 1 این کنوانسیون، محسوب نخواهد شد.

#### مادة 93

1— هرگاه یکی از کشورهای متعاهد شامل دو یا چند واحد ارضی باشد که طبق قانون اساسی آن کشور نظام‌های حقوقی مختلفی در رابطه با موضوعات مطروحه در این کنوانسیون بر آنها حاکم باشند،

می‌توانند در زمان امضاء، تصویب، قبول، تأیید یا الحاق، اعلام نماید که این کنوانسیون بر تمام واحدهای ارضی یا تنها بر یک واحد یا بیشتر تسری دارد و نیز می‌تواند هر زمان با تسلیم اعلامیه‌ای دیگر، اعلامیه قبلی خود را اصلاح نماید.

2- اعلامیه‌های مزبور باید به آگاهی امین کنوانسیون برسند و ضمن آنها، واحدهای ارضی مشمول مقررات این کنوانسیون، صریحاً تعیین گردند.

3- هرگاه این کنوانسیون بواسطه اعلامیه مندرج در این ماده نسبت به یک یا چند واحد ارضی کشور متعهد، و نه همه آنها، تسری یابد، چنانچه محل تجارت یکی از طرفین در کشور مزبور واقع باشد، از نظر این کنوانسیون چنین تلقی خواهد شد که محل تجارت پیشگفته در یک کشور متعهد واقع نیست، مگر اینکه آن محل تجارت در یک از واحدهای ارضی مشمول مقررات این کنوانسیون واقع شده باشد.

4- چنانچه یک کشور متعهد مبادرت به صدور اعلامیه موضوع بند 1 این ماده ننماید، مقررات این کنوانسیون به تمام

واحدهاي ارضي آن کشور تسري داده خواهد شد.

#### مادة 94

1- دو يا چند کشور متعاهد که نسبت به موضوعات تحت حاکميت اين کنوانسيون داراي قواعد حقوقي يکسان يا کاملاً مشابهي هستند، هر زمان مي‌توانند اعلام کنند که قراردادهاي بيع يا انعقاد آنها بين طرفهايي که در آن کشورها داراي محل تجارتند، مشمول مقررات اين کنوانسيون نخواهد بود. اعلاميه‌هاي مزبور ممکن است مشترکاً يا به صورت اعلاميه يك طرفه متقابل صادر شوند.

2- يك کشور متعاهد که در خصوص موضوعات مشمول اين کنوانسيون داراي قواعد حقوقي يکسان يا کاملاً مشابهي با يك يا چند کشور غيرمتعاهد است، هر زمان مي‌تواند اعلام کند که قراردادهاي بيع يا انعقاد آنها بين طرفهايي که در آن کشورها داراي محل تجارت هستند، مشمول مقررات اين کنوانسيون نخواهد بود.

3- هرگاه کشوري که موضوع اعلاميه مذکور در بند پيشين است، بعداً در زمره

کشورهای متعهد در آید، از تاریخی که کنوانسیون نسبت به کشور متعهد جدید لازم الاجرا می‌گردد، اعلامیه صادره آثار اعلامیه‌ای را که طبق بند 1 فوق صادر شده است خواهد داشت، مشروط بر اینکه کشور متعهد جدید به اعلامیه مزبور بپیوندد یا اعلامیه یک طرفه متقابلی صادر نماید.

#### مادة 95

هر کشور می‌تواند در زمان تودیع اسناد تصویب، قبول، تأیید یا الحاق خود اعلام نماید که ملزم به رعایت قسمت «ب» بند 1 مادة 1 این کنوانسیون نخواهد بود.

#### مادة 96

هر یک از کشورهای متعهد که قوانین داخلی آن انعقاد کتبی قرارداد های بیع یا مستند نمودن آنها را به صورت کتبی لازم بدانند، می‌تواند هر زمان طبق مادة 12 با صدور اعلامیه‌ای اعلام نماید که هر یک از مقررات مادة 11، مادة 29 یا فصل دوم این کنوانسیون که انعقاد قرارداد بیع یا اصلاح آن یا اقاله یا هر نوع



ایجاب و قبول یا سایر انواع اعلام اراده را به هر شکل غیرکتبی اجازه می‌دهد، شامل طرفی که در کشور مزبور محل تجارت دارد، نخواهد بود.

### مادة 97

1- اعلامیه‌هایی که طبق مقررات این کنوانسیون در زمان امضاء صادر می‌شوند، موکول به تأیید بعدی در هنگام تصویب، قبول یا تأیید کنوانسیون می‌باشند.

2- اعلامیه‌ها و تأییدیه‌های آنها باید به صورت کتبی بوده و رسماً به آگاهی امین کنوانسیون رسیده باشند.

3- هر اعلامیه همزمان با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به کشور مربوط، نافذ خواهد شد. مع هذا اعلامیه‌ای که پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون رسماً به آگاهی امین کنوانسیون می‌رسد، در اولین روز از ماهی که پس از انقضای شش ماه از تاریخ دیرافت اعلامیه توسط امین آغاز می‌شود، نافذ خواهد شد. اعلامیه‌های يك طرفه متقابل موضوع مادة 94 در اولین روز از ماهی که پس از انقضای شش ماه از

تاریخ دریافت آخرین اعلامیه توسط امین آغاز می‌شود، نافذ خواهد شد.

4- هر يك از كشورها كه مطابق مقررات اين کنوانسیون، مبادرت به صدور اعلامیه می‌نماید هر زمان که بخواهد می‌تواند بوسیله اعلام کتبی و رسمی به این کنوانسیون، اعلامیه مزبور را مسترد کند. تاریخ نفوذ چنین استرداد، اولین روز از ماهی است که پس از انقضای شش ماه از تاریخ دریافت اعلامیه توسط امین آغاز می‌گردد.

5- استرداد اعلامیه صادره طبق ماده 94 از تاریخی که نافذ می‌شود، هر نوع اعلامیه متقابلی را که کشور دیگری طبق ماده مذکور صادر نموده است، بلا اثر خواهد کرد.

#### ماده 98

هیچگونه قید و شرط\* جز آنهایی که صریحاً در این کنوانسیون مجاز شناخته شده‌اند، پذیرفته نخواهد شد.

---

\*. reservation تصویب مقید و مشروط یا تحدید تعهد یا حق شرط، و آن عبارت است از بیانیة يك طرفه‌ای که يك کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امضاء، تصویب، قبول یا موافقت یا الحاق به يك کنوانسیون یا معاهده صادر می‌کند و طی آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا

## مادة 99

1- با رعایت مقررات بند 6 این ماده، کنوانسیون حاضر در اولین روز از ماهی که بعد از انقضای دوازده ماه از تاریخ سپردن دهمین سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق، منجمله اسناد حاوی اعلامیه صادره حسب ماده 92، آغاز می‌گردد لازم الاجرا خواهد شد.

2- هنگامی که یک کشور پس از سپردن دهمین سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق، این کنوانسیون را تصویب، قبول یا تأیید می‌نماید، یا بدان ملحق می‌شود، تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون حاضر، بجز فصلی که مستثنی شده است، در ارتباط با آن کشور، با رعایت مقررات بند 6 این ماده، اولین روز از ماهی خواهد بود که بعد از انقضای دوازده ماه از زمان تودیع اسناد تصویب، قبول، تأیید یا الحاق آن کشور، شروع می‌شود.

3- کشوری که این کنوانسیون را تصویب، قبول یا تأیید می‌نماید، یا بدان

---

تعدیل آثار حقوقی برخی مقررات کنوانسیون یا معاهده نسبت به خود بیان می‌دارد. «مجله حقوقی»

ملحق می‌شود و ضمناً عضو «کنوانسیون راجع به قانون متحداً شکل ناظر بر انعقاد قرارداد بیع بین‌المللی کالا مصوب 1 ژوئیه 1964 لاهه» (کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه 1964) و یا «کنوانسیون راجع به قانون متحداً شکل ناظر بر بیع بین‌المللی کالا مصوب 1 ژوئیه 1964 لاهه» (کنوانسیون بیع لاهه 1964)، و یا عضو هر دوی آنها، باشد، باید همزمان با تصویب یا قبول، یا تأیید این کنوانسیون، بر حسب مورد یک یا هر دو کنوانسیون بیع لاهه 1964 و کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه 1964، را ضمن اطلاع به دولت هلند، رد نماید.

4- هر کشور عضو کنوانسیون بیع لاهه 1964 که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تأیید می‌کند یا بدان ملحق می‌شود و طبق ماده 92 اعلام می‌کند یا اعلام نموده است که ملزم به رعایت فصل دوم این کنوانسیون نخواهد بود، باید در زمان تصویب، قبول، تأیید یا الحاق، ضمن اطلاع به دولت هلند، کنوانسیون بیع لاهه مورخ 1964 را رد نماید.

5- هر کشور عضو کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه 1964 که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تأیید می‌کند یا بدان ملحق می‌شود و طبق ماده 92 اعلام می‌کند یا اعلام نموده است که ملزم به رعایت فصل سوم این کنوانسیون نخواهد بود، باید در زمان تصویب، قبول، تأیید یا الحاق، ضمن اطلاع به دولت هلند، کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه مورخ 1964 را رد نماید.

6- از نظر این ماده تصویب، قبول، تأیید، و الحاق کشورهای عضو کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه 1964 یا کنوانسیون بیع لاهه 1964 نسبت به این کنوانسیون نافذ نخواهد شد، مگر اینکه اعلام رد کنوانسیونهای مذکور از جانب کشورهای مزبور نافذ گردد. امین این کنوانسیون با دولت هلند به عنوان امین کنوانسیونهای 1964 جهت تضمین هماهنگیهای لازم در این زمینه تبادل نظر خواهد نمود.

## مادة 100

1- این کنوانسیون تنها در صورتی حاکم بر انعقاد يك قرارداد خواهد بود که پیشنهاد انعقاد قرارداد مزبور در تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به کشورهای متعهد مذکور در قسمت «الف» بند 1 یا نسبت به کشورهای متعهد مذکور در قسمت «ب» بند 1 ماده 1 یا پس از آن تاریخ صورت گرفته باشد.

2- این کنوانسیون صرفاً بر قراردادهای منعقد شده در تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به کشورهای متعهد مذکور در قسمت «الف» بند 1 یا کشورهای متعهد مذکور در قسمت «ب» بند 1 ماده 1 یا پس از آن حاکمیت دارد.

## مادة 101

1- هر کشور متعهد میتواند با اعلان رسمی و کتبی به امین، این کنوانسیون یا فصل دوم یا سوم آن را رد نماید.

2- اعلام رد کنوانسیون، در اولین روز از ماهی که پس از انقضای دورازده ماه از تاریخ وصول اعلام رد به امین آغاز میشود، نافذ خواهد گردید. چنانچه

از اعلامیه رد کنوانسیون مدت طولانی‌تری  
جهت نفوذ آن تعیین شده باشد، اعلام رد  
پس از انقضای مدت مزبور از تاریخ وصول  
به امین، نافذ خواهد گردید.

در وین انجام شده است، به تاریخ  
یازدهم آوریل سال یک‌هزار و نهصد  
و هشتاد، در یک نسخه اصلی که متدّهای  
عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و  
اسپانیایی آن دارای اعتبار واحدند.  
در مقام تسجیل آن، اشخاص زیر که  
نمایندگان تام‌الاختیار دولتهای متبوع  
خود می‌باشند، این کنوانسیون را امضاء  
نموده‌اند.